

پژوهشی فارسی از لبنان

محسن ذاکر الحسینی

ویکتور کیک، تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی، دارالمشرق، بیروت
۱۹۷۱، ۱۸۲ صفحه.

تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی اثری است محققانه از دکتر ویکتور کیک، استاد دانشگاه لبنان. این محقق کتاب دیگری نیز با نام تأثیر صابین حران در تمدن اسلامی به زبان فارسی تألیف کرده که آن نیز به سال ۱۹۷۱ در بیروت به چاپ رسیده است. وی سفرنامه ناصر خسرو را نیز از فارسی به عربی ترجمه کرده است.

کتاب مشتمل است بر دو باب با پیش‌گفتاری به قلم دکتر محمد محمدی درباره تأثیر متقابل زبان و ادب فارسی و عربی که در آن آمده است: «کتاب حاضر، که نمونه‌ای از دقت بحث و حسن ذوق و سلیقه مؤلف فاضل آن است، جایی را در ادبیات فارسی و در زمینه ادبیات تطبیقی پر می‌کند که تا به حال خالی می‌نمود» (ص ۱۷).

باب اول با عنوان «نفوذ زبان و ادبیات عرب در ایران تا پایان دوران غزنویان» سه فصل دارد. فصل نخستین، «انتشار زبان عربی در ایران»، تاریخچه مختصری است از چگونگی تأثیر و نفوذ زبان عربی در ایران. در فصل دوم، «محیط ادبی منوچهری و نفوذ ادبیات عرب در آن»، درباره‌های صاحب بن عبّاد، آل بویه، قابوس بن وشمگیر و سلطان محمود غزنوی به عنوان مهم‌ترین مراکز ترویج زبان و ادب عربی در عصر منوچهری معرفی شده و از تأثیر ناگزیر این مراکز بر محیطی که منوچهری در آن می‌زیسته سخن رفته است. در فصل سوم، «نفوذ شعرای عرب در سخن‌سرایان پیش از منوچهری و تأثیر

موضوعات و شیوه‌ها و برخی از مضامین شعر عربی در آثار آنها، از چند تن از شاعران ذواللسانین متقدم بر منوچهری مانند شهید بلخی، ابوطیب مصعبی، خسروی سرخسی، ابوالفتح بستنی، محمد بن عبدالله جنیدی، قابوس بن وشمگیر و ابوالحسن آجاجی و شعر ایشان یاد شده و نیز نمونه‌هایی از ترجمه اشعار از عربی به فارسی و از فارسی به عربی آمده که ذیلاً از هر یک نمونه‌ای نقل می‌شود.

ترجمه از فارسی به عربی

ابوشکور بلخی:

از دور به دیدار تو اندر نگرستم مجروح شد آن چهره پرحسن و ملاح
 وز غمزه تو خسته شد آزرده دل من وین حکم قضایی است جراحت به جراحت

ترجمه ابوالفتح بستنی:

رَمِيكَ عَنِ حُكْمِ الْقَضَاءِ بِنَظْرَةٍ وَ مَا لِي عَنِ حُكْمِ الْقِصَاصِ مَنَاصُ
 فَلَمَّا جَرَحْتُ الْخَدَّ مِنْكُمْ بِمَقْلَةٍ جَرَحَتْ فُوَادِي وَ الْجُرُوحُ قِصَاصُ (ص ۴۳)

ترجمه از عربی به فارسی

ابن رومی:

لَمْ أَخْضَبُ الشَّيْبَ لِلْغَوَانِي أَبْغَى بِهِ عِنْدَهَا وَدَادَا
 لَكِنْ خِضَابِي عَلَيَّ شَبَابِي أَلْبَسْتُ مِنْ بَعْدِهِ حَدَادَا

ترجمه رودکی:

من موی خویش را نه از آن می‌کنم سیاه تا باز نوجوان شوم و نوکنم گناه
 چون جامه‌ها به وقت مصیبت سیاه کنند من موی از مصیبت پیری کنم سیاه (ص ۴۵)

مؤلف، در این فصل، از اقتباس فارسی‌گویان از موضوعات شعر عرب، من جمله نوحه بر اطلال و دمن، سخن گفته و از نمونه‌های فارسی آن قصیده لامعی را به مطلع هست این دیار یار [من] شاید فرود آرم حمل پرسم ریاب و دعد را حال از رسوم و از طلل شاهد آورده و نیز از برخی فنون شعر، مانند سؤال و جواب، افتنان و مناظره در دو زبان سخن گفته و هم‌چنین به موضوع اقتباس فارسیان از مضامین قرآن کریم و شعر عربی پرداخته که ذیلاً به ذکر نمونه‌ای بسنده می‌شود.

متنبی:

أَيْنَ أَرَمَعْتَ أَيُّهَاذَاهُمَام؟ نَحْنُ نَبْتُ الرَّبِّيِّ وَ أَنْتَ الْعَمَامُ

رودکی:

مرا جود او تازه دارد همی مگر جودش ابر است و من کشت زار؟ (ص ۶۰)
باب دوم، با عنوان «نفوذ زبان و ادبیات و عروض عرب در اشعار منوچهری» هفت فصل دارد.

فصل اول، «آگاهی‌های منوچهری از فرهنگ عرب به طور کلی»، که در آن از شیفتگی منوچهری به زبان قرآن و شعر عربی و آگاهی و شناخت وی از فرهنگ عرب سخن رفته و شواهدی از اشعار منوچهری نقل شده حاوی ذکر اسامی شاعران تازی‌گوی، یاد از قصاید مشهور عرب، تضمین ابیات عرب، اشاره به کتاب‌های مشهور عربی، لغات و ترکیبات عربی و خصوصیات فردی شاعران و ادیبان عرب. مؤلف، در پایان این فصل، بر منوچهری خرده گرفته و، در پاره‌ای از عبارات عربی، طرز جمله‌بندی وی را با قواعد زبان عربی منطبق ندانسته است.

فصل دوم، «پیروی منوچهری در مدیحه‌سرایی از شعرای عرب و مضامین عربی در مدایح وی»، شامل چهار گفتار است. گفتار نخستین درباره‌ی رابطه‌ی شاعر با شعرای عرب در فنّ مدیحه‌سرایی است و این که منوچهری خود را در مدحتگری به شاعران عرب، به ویژه اعرشی، و ممدوح را در سیاست و زیرکی به بزرگان عرب و در فضل به شعرا و ادبای عرب تشبیه کرده است. مثلاً یک جا، در صفت ممدوح، گوید:

چو بوشعیب و خلیل و چو قیس و عمرو و کمیت به وزن و ذوق و عروض و به نظم و نثر و زوی
چو ابن رومی شاعر چو ابن مقله دبیر چو ابن معتز نحوی چو اصمعی لغوی (ص ۸۷)
در گفتار دوم از نفوذ قرآن در مضامین مدحی منوچهری و اشاره‌ی وی به آیات قرآنی سخن آمده است که از آن میان دو نمونه ذیلاً ذکر می‌شود.

لَقَدْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ (ابراهیم ۷:۱۴)

نعمت بسیار داری شکر از آن بسیارتر نعمت افزون‌تر شود آن را که او شاکر شود
(ص ۸۸)

وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ (آل عمران ۵۷:۳).

آخر دیری نماند استم استمگران زآن که جهان‌آفرین دوست ندارد ستم (ص ۸۹)
گفتار سوم شامل نمونه‌هایی است از کاربرد احادیث نبوی در مدایح منوچهری، از جمله:

وُلِدْتُ فِي زَمَنِ الْمَلِكِ الْعَادِلِ (الْوَلُو المَرصُوع، ص ۹۹)

همی نازد به عهد میر مسعود چو پیغمبر به نوشروان عادل (ص ۱۰۱)
و در حاشیه افزوده است که شمس قیس تشبیه منوچهری را جزو خطاهای معنوی
محسوب کرده و، پس از نقل بیت به صورت:

همی نازد به عدل شاه مسعود چو پیغمبر به نوشروان عادل

چنین اظهار نظر کرده است:

و نشاید گفت که پیغامبر صلوات الله علیه و آله به کافری بنازید. و اگر تمسک بدین حدیث
کرده است که وُلِدْتُ فِي زَمَنِ مَلِكِ عَادِلٍ پیغامبر صلوات الرحمن علیه این سخن در
معرض شکر فضل کردگار تعالی و تقدس گفته باشد در حق خویش؛ یعنی سرشت و
طینت مرا به محض لطف خویش از رذایل و نقایص چنان پاک آفرید که ولادتم نیز در
زمان عدل و ایام دولت پادشاهی عادل تقدیر کرد. و چون او صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به
سیادت مُلکِ اولاد آدم صلوات الله علیه ننازید، که أَنَا سَيِّدُ وُلْدِ آهَمَ وَلَا فَخْرَ چگونه به
ملکی کافر فخر کند؟ (المعجم، ص ۳۱۰)

سعدی، در بوستان، در مدح ابوبکر زنگی، به همین حدیث اشاره دارد:

سزد گر به دورش بنازم چنان که سید به دوران نوشین روان
(بوستان، ص ۱۰ از کلیات سعدی، چاپ اقبال، ۱۳۴۰)

گفتار چهارم شامل نمونه‌هایی از مضامین شعر عربی است در مدایح منوچهری، از
جمله:

وَإِنْ تَقَدَّمَ فِي عَهْدٍ مَضَوْا نُزِلَتْ
فِي شَأْنِهِ مُحْكَمُ الْآيَاتِ وَالْحَكْمُ (ابوالعلاء معری)
گر پیمبر زنده بودی بر زبان جبرئیل
آمدی برشان جودش آیت از عرش خدای (ص ۱۰۵)

فصل سوم، «افکار و مضامین شعرای تازی گوی در برخی از اشعار غزلی منوچهری».
فصل چهارم، «نفوذ قرآن و شعرای عرب در توصیفات منوچهری»، که در آن ورود
مضامینی از شعر عرب به سروده‌های منوچهری بررسی شده است در وصف طبیعت و
گل‌ها، بیابان و شتر، اسب، فلک و ستارگان و بروج، خورشید، هلال، برق، قوس قزح،
شمع و قلم. اینک نمونه‌ای در وصف هلال:

أَنْظُرُ إِلَى حُسْنِ هَلَالٍ بَدَا
يَهْتِكُ مِنْ أَنْوَارِهِ الْجِنْدِ سَا
كَمْ يُجَلِّ قَدْ صَبَغَ مِنْ عَسْجِدٍ
يَحْصَدُ مِنْ زَهْرِ الدَّجَى نَرْجَسَا (ابن معتز)
وَكَأَنَّ الْهَلَالَ نَصْفُ سِوَارٍ
وَ التُّرْيَا كَفُّ تُشِيرُ إِلَيْهِ (ابن معتز)

پدید آمد هلال از جانب کوه به سان زعفران آلوده میحجّ بن
چنان چون دوسر از هم باز کرده زرز مغربی دستاورنجن (ص ۱۳۴)
فصل پنجم، «رابطۀ مضامین خمیری منوچهری با مضامین خمیری شعرای عرب» که
سه نمونه از آن نقل می‌شود:
ابو نواس:

و لا تَشْرَبُ بِلا طَرَبٍ و لَهْوٍ فَإِنَّ الخَيْلَ تَشْرَبُ بِالصَّفِيرِ
وَ لَيْسَ الشَّرْبُ إِلَّا بِالْمَلَاهِي وَ بِالْحَرَكَاتِ مِنْ مَثْنَى وَ زِيرٍ

منوچهری

وین نیز عجب‌تر که خورد باده نه بر چنگ بی‌نغمه چنگش به می‌ناب شتاب است
اسبی که صفرش نرنی می‌نخورد آب نی مرد کم از اسب و نه می کمتر از آب است
(ص ۱۴۰)

مؤلف در حاشیه افزوده است: «و از گفته عقیل بن علفه در البیان و التّبیین جاحظ (ج ۲،
ص ۶۸) آورده شده: الخَيْلُ إِذَا لَمْ يُصْفَرْ لَهَا لَمْ تَشْرَبْ».
مجنون لیلی:

تداوِيتُ مِنْ لَيْلِي بَلْبَلِي عَنِ الْهَوَى كَمَا يَتَدَاوَى شَارِبُ الْخَمْرِ بِالْخَمْرِ

منوچهری:

راحت کژدم زده کشته کژدم بود می‌زده را هم به می دارو مرهم بود (ص ۱۴۶)
بدیع الزّمان همدانی:

شَرِبْنَا وَ أَهْرَقْنَا عَلَى الْأَرْضِ جُرْعَةً وَ لِلْأَرْضِ مِنْ كَأْسِ الْكِرَامِ نَصِيبٌ

منوچهری:

جرعه بر خاک همی ریزیم از جام شراب جرعه بر خاک همی ریزند مردان ادیب
ناجوانمردی بسیار بود چون نبود خاک را از قدح مرد جوانمرد نصیب (ص ۱۴۸)
فصل ششم، «امثال و حکم عرب در اشعار منوچهری»، شامل نمونه‌هایی است، از
جمله:

كُلُّ إِنَاءٍ يَرِشْحُ بِمَا فِيهِ.

از جام انگبین نترابد جز انگبین. (ص ۱۵۵)

نَهَبَتْ مِنَ الْأَعْمَارِ مَا لَوْهَحَوِيَّةٌ لَهْنَيْتَ الدُّنْيَا بِأَنَّكَ خَالِدٌ (متنبی)

ستانی همی زندگانی ز مردم ازیرا درازت بود زندگانی (ص ۱۵۷)

فصل هفتم، «تقلید منوچهری از اوزان قصاید عربی»، که در آن از تأثیر عروض عرب در شعر منوچهری و تأسی وی به اوزان خاص عرب سخن آمده است. در پایان، مؤلف به کوتاهی ماحصل دیدگاه خویش را درباره منوچهری و شعر او عرضه می‌کند.

در این تحقیق از یکصدوشش منبع (۶۹ عربی، ۳۳ فارسی، ۲ انگلیسی، ۲ فرانسه) استفاده شده که فهرست آنها در پایان کتاب مندرج است.

گذشته از برخی غلط‌های مطبعی مانند «سخت» به جای «سخن» (حاشیه ص ۱۰۱) و برخی اطلاعات نادرست ضمنی، مانند ذکر تاریخ ۴۲۱-۴۳۲ برای وفات اسدی طوسی (ص ۵۵) که مستقیماً به موضوع تحقیق مربوط نیست، معدودی بدخوانی‌ها، مانند ضبط «کَلک» به جای «کَلک» (ص ۱۰۲)؛ و خالی بودن جای فهرست راهنما و فهرست‌های آیات، احادیث، امثال، اشعار فارسی و عربی، مجموعاً می‌توان گفت که این کتاب اثری معتبر و ارزشمند است که در برخی موارد راهگشای حل معضلات دیوان منوچهری نیز تواند بود. محض نمونه به یک مورد اشاره می‌شود که مضمون بیت

بر بار خدای رؤسا خواجه محمد کهنتر بر او مهتر [مهتر] بر او که

مقتبس از این بیت متنبی:

و تعظم في عين الصغیر صغارها وَ تصغر في عين العظیم العظیم

دانسته شده و تفسیر بیت منوچهری بدون توجه به بیت متنبی دشوار می‌نماید. مؤلف، در متن و پانوشته‌های این اثر، توضیحات مفیدی آورده و همواره از مآخذ خویش به روشنی یاد کرده و ظاهراً از تعلیقات دکتر محمد دبیر سیاقی بر دیوان منوچهری و مآخذ آن استفاده فراوان برده و از تعلیقات کازیمیرسکی بر دیوان منوچهری چاپ پاریس نیز یاد کرده است.

تأثیر فرهنگ عرب در اشعار منوچهری دامغانی ظاهراً جامع‌ترین و بهترین کتابی است که در این موضوع تألیف شده و شایسته است که با اجازه مؤلف در ایران نیز چاپ و نشر شود.

□